

مدرسی» است که «چشم را آزار می‌دهد» (ص ۱۱۲) و مردمش حتی قادر به شناختن حامیان خود هم نیستند:

«نمی‌توان منکر شد که قانون از زمان مرگش تاکنون در غرب، بیش از جهان سوم مورد توجه قرار گرفته است. در افریقای سیاه دستخوش سکوت و فراموشی گردیده است.» (ص ۱۴۹).

نمی‌دانیم آیا به راستی قانون در افریقای سیاه دستخوش سکوت و فراموشی گردیده است یا نه، ولی با توجه به سرفروخت لومومبا و صدها مورد نظیر آن به این نکته یقین داریم که غریبان مردم قاره‌های دیگر را با هزاران تشبیه خشنوت آمیز از حقوق انسانی محروم می‌کنند و سپس به سبب بی رونق بودن حقوق انسانی در آن سرزمینها، مردم آن دیار را سرزنش می‌کنند. ولی شما که نویسنده و معلمید، چرا؟ «در عمل مملکت کوچکی چون غنا مجبور است برای حمل و نقل هوایی سپاهیان خود از کشورهای صنعتی کمک بگیرد.» (ص ۱۵۸) این همان داستان قدیمی اشراقزاده است که به زبان حال می‌گفت: «بابای من چند ده داشت و بابای تو هیچ نداشت، برو بمیر.» داشتن ر نداشتن چه چیز را ثابت می‌کند آقای دیوید کات؟ و کدام حقانیت را؟ چون قانون هر چه باشد، جهان سومی است. قار نیست میان پرولتاریای انگل و فاسد و سنگدل ازیکسو، و روستائیان مهاجر ده به شهر که مدام میان این دو در رفت و آمدند، از سوی دیگر فرقی قائل شود.» (ص ۱۲۶)

و باز:

«قانون، از بعضی لحاظ، به حقایق تازه‌ای که با آن همه شور و شوق از آرادی آن دفاع می‌کرد، تا پایان عمر بیگانه

ماند.» (ص ۵۳)

و این «حقایق تازه» که قانون تا پایان عمر (البته ۳۶ ساله) خود از آن بیگانه مانده، چیزی جز این نیست که شاعری از مردم جزایر کارائیب به زبان بومی شعر گفته است. (همان صفحه)

□

و اکنون به فاجعه‌ای دیگر می‌رسیم: این کتاب را، با وجود آنچه گفته شد، باید خواند و دوباره خواند. زیرا تنها کتابی است که به فارسی درباره قانون داریم.

## نان و شراب

۱۰۰

از: اینیاتسیو سیلونه

به تازگی انتشارات گراسه ترجمه بسیار خوبی از رمان نان و شراب اینیاتسیو سیلونه، منتشر کرده است. با انتشار این کتاب یک بار دیگر به اثری حاوی مسایل مهم روز برمی‌خوریم، منتها با معجونی از دلهره و تنهایی که دستمایه مواجهه با این گونه مسائل است، و مرا بر آن می‌دارد که اثری انقلابی و بزرگ بنامم.

نان و شراب در درجه اول و بدون شك يك رمان ضد فاشیستی است. لیکن محتوی پیامی است بسی متعالیتر از ضدیت با فاشیسم. قهرمان کتاب، که فردی انقلابی

۱- Ignazio Silone

۲- این اثر به ترجمه شیوای محمد قاضی به فارسی در آمده است.

است و پس از فرار از بازداشتگاه فاشیست‌ها و گذراندن سالی چند در تبعید، اکنون به ایتالیا بازگشته است، اگرچه برای نفرت از فاشیسم هنوز هم دلایلی دارد، ولی شواهدی نیز برای تردید و شك كشف می‌کند. ناگفته نماند که البته تردید وی در ایمان انقلابیست. بلکه در شیوه ابراز آن است.

در یکی از مراحل اساسی کتاب (که به نظر من قطعاً کلید اثر است) لحظه‌ای می‌رسد که پیترو اسپینا، قهرمان کتاب، در حالی که همسفره دهقانان ایتالیایی و شریک زندگانی ساده و ابتدایی آنان است، به شك می‌افتد که مبادا گرویدن به تئوری‌هایی که وی آنها را تجسم عشق و علاقه خویش به دهقانان می‌داند، خود مایه جدایی بیشتر او از دهقانان شده باشد. و من از همین لحاظ است که این اثر را انقلابی می‌شناسم. زیرا يك اثر انقلابی از آن رو که پیروزیها و فتوحات را می‌ستاید انقلابی نیست، بلکه از این حیث انقلابی است که دردناکترین جدالهای درون انقلابیون را شرح می‌دهد. آن دلهره‌ها هر چه دردناکتر باشند تأثیرشان در انقلابی کردن اثر بیشتر است. نسبت يك انقلابی واقعی به مبارزی که زود ایمن می‌آورد، همچون نسبت عارفی ربانی است به يك خشکه مقدس متعصب. عظمت هر عقیده را به مقیاس تردیدهایی که القاء می‌کند باید سنجید. هیچ مبارز صمیمی که از میان مردم برخاسته و مصمم به دفاع از شرف آنان باشد نمی‌تواند از تردیدی که به پیترو اسپینا دست می‌دهد غافل بماند. اضطراب و دلهره‌ای که چنگ در انقلابی ایتالیایی اندازد درست همان چیزی است که به اثر سیلونه تلخی و تلاؤئی دلگیر می‌بخشد.

از سوی دیگر هیچ اثر انقلابی

نمی‌تواند خالی از کیفیت هنری باشد. شاید در این گفته تناقضی به نظر آید. لیکن من بر آنم که اگر زمانه ما چیزی به ما آموخته باشد همین نکته است که: يك اثر انقلابی، به شرطی که در چارچوبه کم ارزشترین قالبهای بیان تبلیغاتی محصور نباشد، خالی از اهمیت هنری نیست. تبلیغات عوامانه، هیچ‌گونه میانه خوبی با الهام شاعرانه ندارد. همچنانکه میان آنچه مالرو: «اراده ثابت کردن» می‌نامد با اثری چون سرفوشت بشر ارتباطی وجود ندارد. نان و شراب از عهده این آزمایش برآمده است. نوشته این مرد عاصی تا حد آثار بزرگ کلاسیک پیش رفته است. گفتگوهای طبیعی و بی‌شایبه، با بینش هشیارانه از جهان مفلوک و از خود راضی، چنان‌طین ناپیدایی به شیوه نگارش سیلونه داده که حتی در ترجمه آن نیز محسوس است. اگر برای شعر بتوان مفهومی یافت، در همین اثر است. واقعیت ایتالیای ساده و جاودانی، دامنه‌های پوشیده از سرو، آسمان بی‌نظیر، و «حرکات» روستایی سرودست دهقانان، شاعرانه نقاشی شده است.

بازیافتن راه وصول به آن واقعیت و آن حرکات، بازگشت از فلسفه تخیلی انقلاب به نان و شراب سادگی، این است دعوت و رسالت سیلونه و ره‌آورد سفر وی در زمان نان و شراب.

بخش عمده عظمت سیلونه، علی‌رغم نفرت رایج روزگار ما، توانایی او در القای قدرت بازیابی چهره انسانی و مغرور مردمی است که آخرین بقایای امید ما به صلح‌اند.

ترجمه

عبدالحسین آل رسول